

ابای علوی پیرانه سرش ط جوانی از سر گرفته بجهت طلب نجات
 قطرات نطف در احام امهات سفلی ابداع میکند مواد
 که در بدن جهان از نور ظلم و عدوان محترق شدن بود طیب
 رحمت الهی بجان نورس کین حرارت فرا جش میکند مزاج زمان
 از پوست حوادث دوران محرف شدن بدر طبعیت بهترتها
 متوالی علاجش بنماید نهال امان ابل نارس را که از اثر خشک
 فتنه خوشیده بود از فیض مطار را دنت سلطان میراث آثار
 ابی بجوی باز آید و منجز و لهای مکنان که از دمای سرد ابل طغیان
 تو بر تو که بسته بود بر نسیم معدلت انحضرت شگفتن گرفته و از
 نظایر و اشکال این سیاق تو آید بود که بعد از آنکه سال
 ردیت از اثر بودت حوادث مسجد شدن بود و کلین طبعیت
 بمسوم هموم خوشیده بقضای انظرالی انار رحمت اند کین
 یحیی الارض بعد موتها در چرخ فکرت از اعضا نطفت نور این
 حقایق از کم کون منفق شد و با آنکه ظلمات کدورت علاین
 و نور کار افاق دل و جان فزود گرفته نور این دقایق از غیاب

حفا منطلق گشت و هم از پرتو آن این رای روشن از مشرق خاطر بریز
 که همچنانکه مطلع رسال بلقاب همایون حضرت صاحب زمان
 و لمعات او صاف بیمن حضرت سلیمان کمانی منور شدن مغرب
 آن نیز به پرتو نام سعادت فرجام ایشان سستیر کرده تا همچنانکه مشرق
 و مغرب عالم از پرتو انوار سلطنت ایشان روشن است مطلع
 و مغرب این رساله نیز میسازن القاب بنا هست اشساب ایشان
 زمین کرد و اعنی ترین ملک جهاننداری سعیدین سپهر کاسکاری که
 یکی خورشید و ارباب شمع شمع کرده از مشرق و مغرب عالم را زو کفته
 و یک ماه صفت بفرغ صفت ظلمت ظلم و عدوان از ملک سلیمان
 محوره اگر در ممالک انطاک از پرتو سیاست خورشید غزاله
 در کنار اسد جای گرفته نور با شیر در یک مجمع شده و تین و توانا
 در یک بستر آرمیده در عصر خاک از اثر عدالت این دو پادشاه
 کتی بنای از طبیعت اضداد مطلقا مخالفت رفتن کرک میش را
 مشبانی کرده و غراب جوژه را دیده بانی نموده در ایام رافت
 ایشان کربان درین جز صبح بمشعل شوان دید و چون آغشته غیر